

همایش علمی مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((بাহمکاری و حمایت معنوی دانشگاه رهنورد (استان بلخ، کشور افغانستان) - جهاد دانشگاهی استان تهران))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۱۰۳۳۰/۱۵۲۱

تاریخ برگزاری همایش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ شماره مقاله: ۱۹/۸۶۶۵ رده بندی کنگره: الف ۲۵/۷۰۳/۹۰۳

بررسی و شناخت انواع روش های نوین آموزشی معلمان در راستای تدریس و انتقال مطلب در کلاس درس

مجید بنی اسد^۱ - زهرا بنی اسدنگاری - مژگان آریایی - لیلا عبدلی نژاد گروه

چکیده

با توجه به اینکه یکی از مشکلات نظام های آموزش و پرورش در سراسر جهان افت تحصیلی است و جامعه ما هم در این رهگذر سالانه میلیاردها ریال از سرمایه کشور و میلیاردها ساعت از عمر مفید قشر جوان که می بایست در مسیر زندگی و قطع وابستگی از کشورهای خارجی مصرف گردد به هدر می رود. در این راستا نقش معلم در پیشگیری از این افت حیاتی است. لذا شناخت معلم و کشف نیازها و عوامل ایجادکننده انگیزه وی می تواند در اثربخشی فرایند تدریس نوین، مؤثر باشد. با توجه به اینکه روش های سنتی و بدون انعطاف گذشته درافت تحصیلی دانش آموزان دخالت بسیاری دارد و همچنین دراین راستا نقش معلم در پیشگیری از این افت، حیاتی است و با عنایت به اینکه کسب علوم و فنون جدید در سایه بهره گیری از روشهای نوین آموزشی امکان پذیر است و معلم در جهت دستیابی به این هدف نقش اساسی را به عهده دارد. منظور از روش های نوین تدریس، روشهای تدریس نوین و فعال شامل روشهای تدریس مبتنی بر تعامل، مسئله محور، مبتنی بر انتقال مستقیم، روش آموزش مستقیم مستقل از معلم و روش های آموزش انفرادی هستند که جایگزین روشهای سنتی گذشته مانند سخنرانی محض و بدون انعطاف می باشند و این روش های نوین تأثیر بسیاری در یادگیری دانش آموزان دارند. استفاده از روش های نوین تدریس و به کارگیری آنها در کنار روش های سنتی، استفاده ناگزیر و گسترده از ابزارهای آموزشی و علمی شدن شیوه های ارزشیابی مهمترین پی آمدهایی است که در نظام های تعلیم و تربیت در سطح جهانی ایجاد گردیده است.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، روش های تدریس و آموزش، دانش آموز، معلم، درس

^۱ نویسنده مسئول

بخش اول: بررسی انواع فعالیت‌های آموزشی و ارتباط با دانش آموز

از تدریس، همانند یادگیری، تعریف‌های مختلفی ارائه شده است. بعضی، تدریس را «بیان صریح معلم درباره آنچه باید یاد گرفته شود» می‌دانند و گروهی دیگر تدریس را «همورزی متقابلی می‌دانند که بین معلم، دانش آموز و محتوا در کلاس درس جریان دارد.» عدّه‌ی زیادی از مریبان و متخصصان آموزش و پرورش، تدریس را «فراهم آوردن موقعیت و فرصتهایی که یادگیری دانش آموزان را تسهیل کند»، نامیده‌اند. از بررسی مجموعه‌ی تعاریف ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت تدریس، فعالیتی تعاملی و منظم و هدفمند بین معلم و دانش آموز به منظور تسهیل یادگیری است. معلمان فعالیتهای آموزشی را معمولاً به دوصورت تعاملی و غیر تعاملی در کلاس درس انجام می‌دهند. در اجرای تعاملی، آنها در نوعی از تعامل اجتماعی درگیر می‌شوند که در آن هر یک از دوطرف (معلم و دانش آموز یا دانش آموزان) تلاش می‌کنند از محرکی که موجب پاسخ می‌شود، و پاسخی که دیگری را تحریک کند استفاده کنند. در واقع تعامل اجتماعی نوعی داد و ستد فکری در هنگامی است که افراد به طور واقعی در مقابل هم قرار می‌گیرند. در تدریس غیر تعاملی، یاد دهنده یا یاد دهندگان برنامه‌ای را طراحی و اجرا می‌کنند. آنان پس از اندیشیدن درباره اهداف آموزشی و چگونگی دستیابی دانش آموزان به اهداف، برنامه‌ها یا فعالیت‌های درسی را به صورت تقریرها، تمرین‌ها، تجارب یادگیری، گردشهای میدانی، شرح و بسط، بحث در زمینه نکات عمده یا رئوس مطالب، و آزمونهای پیشرفت تحصیلی سازماندهی می‌کنند. آنان ضمن اینکه کلاس درس را به عنوان یک واحد یا کل در نظر می‌گیرند و علایق و سطح توانایی‌های کلاس را می‌سنجند، به پیشرفت تک تک دانش آموزان و مشکلاتشان نیز توجه دارند.

بعضی تدریس غیر تعاملی را به دو نوع: پیش تعاملی و پس تعاملی تقسیم کرده‌اند. شکل پیش تعاملی معمولاً قبل از شروع یک دوره یا ترم تحصیلی و حتی پیش از آغاز یک جلسه به وقوع می‌پیوندد اما شکل پس تعاملی بعد از اتمام هر جلسه یا دوره اتفاق می‌افتد. شکل پیش تعاملی ناظر بر طراحی آموزشی و تصمیم‌گیری در مورد چگونگی اجرای تدریس

است، در حالی که شکل پس تعاملی ناظر بر چگونگی ارزشیابی است. در شکل پیش تعاملی معلمان اغلب تمام اصول ذکر شده - که حتی ممکن است به صورت علمی و آکادمیک با آنها آشنایی نداشته باشند - را در نظر می گیرند و در هم ادغام می کنند. آنان براساس دیدگاه خود، فعالیت های آموزشی را در یک دوره یک ساله، ترمی، ماهانه یا حتی یک ساعته پیش بینی و طراحی می کنند، و درباره روش تدریس خود تصمیم می گیرند. در واقع چگونگی اجرای شکل پیش تعاملی به شدت وابسته به تصمیم گیری معلم است که اصطلاحاً به آن «مهارتهای پایه تدریس^۱» گفته می شود (گیج وبر لاینر ۵۹۶، ۱۹۸۸). شیولسون^۲ (۱۹۷۶) در بحث خود از «مهارتهای پایه» یا شکل پیش تعاملی تدریس می گوید: معلمان برای اینکه جایگزینی شفاف و مناسب را برای دانش آموزان یا گروهی از دانش آموزان در یک وضعیت ویژه با توجه به اهداف آموزشی تعیین شده انتخاب کنند قبل از تدریس به تحلیل و تبیین جایگزینهای مختلف تدریس می پردازند. بررسی جایگزینها در یک موقعیت یاد گیری معمولاً آموخته شده نیست بلکه هر معلمی بر اساس تجربه خود تصمیم می گیرد. ممکن است معلمی با توجه به تجارب گذشته خود، دانش آموزان یک کلاس و یا بعضی از آنان را مورد قضاوت قرار دهد و تصمیمی خاص درباره آنان اتخاذ نماید. بطور مثال در آموزش جمع، تفریق، کسر ممکن است معلمی پیش بینی کند که این مبحث نیازی به تدریس ندارد و آن را از کتاب حذف کند یا به صورت مطالعه آزاد معرفی نماید و زمان آن را به مباحث دیگری اختصاص دهد؛ در حالی که ممکن است چنین قضاوت و تصمیمی مبتنی بر شناخت کافی نباشد، و دانش آموزان در آن مبحث ضعیف و در یاد گیری آن مشکل داشته باشند. بهترین شکل پیش تعاملی را می توان در طرح درس جستجو کرد، به ویژه زمانی که باید تصمیم گرفته شود:

۱. کتاب درسی، محتوای آموزشی یا سایر موارد آموزشی چه باشد؛

^۱. basic teaching skill

^۲. shavelson

۲. زمان اجرای برنامه چه مدت باشد؛

۳. نحوه ارزشیابی پیشرفت یاد گیری دانش آموزان چگونه باشد؛

۴. تکالیف و فعالیت های خارج از کلاس درس مانند تکلیف شب، گردشهای میدانی و غیره به چه میزان تعیین گردد و چگونه انجام شود.

صاحب نظران حوزه آموزش و پرورش عقیده دارند که معلمان باید قبل از اینکه وارد کلاس شوند تا حد امکان برنامه های درسی و فعالیت های خود را طراحی، سازمان دهی و برای اجرا آماده کنند. پس از ورود به کلاس نیز لازم است درباره علایق، آموخته ها و تجربه های قبلی دانش آموزان اطلاعات لازم را به دست آورند و آنگاه تدریس را آغاز کنند.

بند اول: معلمان چگونه باید فعالیتهای آموزشی خود را برنامه ریزی کنند؟

فعالیت برنامه ریزی معلمان معمولاً به وسیله ی الگوی اهداف عینی هدایت می شود و بر اساس آن روش تدریس تعیین می گردد. معمولاً چهار وظیفه اصلی در مراحل برنامه ریزی دنبال می شود:

الف) تعیین اهداف آموزشی.

ب) انتخاب تجارب یادگیری.

ج) سازمان دهی تجارب یادگیری.

د) انتخاب و به کارگیری روش ارزشیابی.

این الگو یک الگوی عقلانی است که نخستین گام در آن این است که قبل از تعیین و انتخاب ابزار رسیدن به اهداف، مشخص گردد که به کجا می خواهیم برویم.

الگوی تلفیقی «ابزار- هدف» به عنوان الگویی جایگزین برای الگوی اهداف عینی آموزشی پیشنهاد شده است (زاهوریک، ۱۹۷۵، ۱۹۷۶) که در آن ویژه کردن اهداف قبل از انتخاب ابزار و وسیله الزاماً مورد نیاز نیست. اهداف باید از فعالیت ها به منظور جهت دهی مجدد فعالیت ها و معنی بخشی به آنها استخراج شود. از این منظر، فعالیت های یادگیری نسبت به بررسی اهداف عینی، تقدم دارد (زاهوریک، ۱۹۷۹، ۴۸۹) در الگوی تلفیقی ابزار-هدف، فعالیت های انتخاب شده دانش آموزان باید هم تراز هدف های عینی آموزشی بوده، اهداف آموزشی به وسیله دانش آموزان با راهنمایی و هدایت معلم تعیین و انتخاب شوند. اما این الگو در نظام های آموزشی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و عقب مانده، چندان مورد توجه قرار نگرفته است (گیج وبرلاینر، ۱۹۸۸، ۵۹۷) (شعبانی، ۱۳۹۰؛ ۱۴۴).

بند دوم: مدیریت تنوع در کلاس درس

برای ارتقا و تحول روشهای تدریس کلاس درس سنتی، معلم باید انواع متنوعی از روشها را برنامه ریزی کند. او نیازمند است که مهارت های مدیریتی چنین کلاسهایی را متحول سازد. مسائل عمده مدیریت در کلاس های درس شامل تنظیم برنامه و جدول زمانی فعالیت ها، پیش بینی مواد و منابع مورد نیاز، و پیش بینی جایگزین های مختلف در هنگام تغییرات احتمالی است. تنها تجربه و تمرین می تواند به معلم در بهبود و ارتقای مهارت های مدیریتی از جمله برنامه ریزی و سازمان دهی فعالیت های متنوع کمک کند. روانشناسان تربیتی صرفاً می تواند بر اساس نظریه ها یا نتایج پژوهش ایده هایی را برای مدیریت تنوع پیشنهاد کند. کاربردی کردن آنها نیاز به شناخت موقعیت، تجربه و تمرین دارد (شعبانی، ۱۳۹۰؛ ۱۷۴).

بخش دوم: بررسی روش‌های نوین آموزش

بند اول: بررسی و تعریف روش تدریس

روش در مقابل واژه ی لاتینی «متد» به کارمی رود و واژه ی متد در فرهنگ فارسی «معین» و فرهنگ انگلیسی به فارسی «آریانپور» به روش، شیوه، راه، طریقه، طرز، اسلوب معنی شده است. به طور کلی «راه انجام دادن هرکاری» را روش گویند. روش تدریس نیز عبارت از راه منظم با قاعده و منطقی برای ارائه درس می باشد. «اصطلاح تدریس، اگرچه در متون علوم تربیتی مفهومی آشنا به نظرمی رسد. اکثر معلمان و مجریان برنامه های درسی با معنی و ماهیت درست آن آشنایی دارند. برداشت های مختلف معلمان از مفهوم تدریس می تواند در نگرش آنان نسبت به دانش آموزان و نحوه ی کارکردن با آنها تأثیر مثبت یا منفی برجای گذارد. برداشت چندگانه از مفهوم تدریس می تواند دلایل مختلفی داشته باشد؛ از مهمترین آنها ضعف دانش پایه و اختلاف در ترجمه و برداشت نادرست معلمان از دیدگاههای مختلف تربیتی است گاهی آشفتگی و اغتشاش در درک مفاهیم تربیتی به حدی است که بسیاری از کارشناسان، معلمان و دانشجویان این رشته مفاهیمی چون پرورش، آموزش، تدریس و حرفه آموزی را یکی تصویری کنند و به جای هم به کارمی برند. این مفاهیم اگرچه ممکن است در برخی جهات وجوه مشترک و درهم تنیده داشته باشند، اصولاً مفاهیم مستقلی هستند و معانی خاص خود را دارند. پرورش یا تربیت «جریانی است منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی یا به طور کلی رشد همه جانبه شخصیت دانش آموزان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعداد آنان است» (سیف، ۱۳۹۰؛ ۲۸). بر اساس چنین تعریفی پرورش یک نظام است، نظامی که کارکرد اساسی اش شکوفا کردن استعداد و تربیت شهروندانی است که هنجارهای مورد پذیرش جامعه را کسب کنند و متعهد به ارزشهای آن باشند. حتی بسیاری از صاحب نظران تربیتی کارکردی فراتر از کارکرد ذکر شده برای پرورش قائلند و معتقدند که القای ارزشها و سنتها و اخلاقیات پذیرفته شده جامعه به افراد یکی از قدیمی ترین دیدگاه پرورشی است،

به جای چنین کارکردی، نظام تربیتی باید رشد مهارت‌های شناختی از قبیل تفکر انتقادی، تحلیل ارزشها و مهارت‌های گروهی را در کانون کارکردهای خود قرار دهد تا زمینه ی مردم سالاری در جامعه فراهم شود. (میلر، ۱۹۸۳) گروهی دیگر نیز بر این باورند که نظام تربیتی باید عامل تغییر و تحول اجتماعی باشد. (فریره، ۱۹۷۲) تحلیل مفاهیم و کارکردهای ذکر شده نشان می دهد که به هیچ وجه نمی توان مفهوم « پرورش » را با مفاهیمی چون آموزش، تدریس و یا حرفه آموزی یکی دانست. پرورش مفهومی کلی است که می تواند سایر مفاهیم را در درون خود جای دهد. مفهوم آموزش برخلاف پرورش یک نظام نیست، بلکه آموزش فعالیتی است هدفدار و از پیش طراحی شده که هدفش فراهم کردن فرصت ها و موقعیت هایی است امر یادگیری را در درون یک نظام پرورشی تسهیل کند و سرعت بخشد. بنابراین آموزش وسیله ای است برای پرورش، نه خود پرورش. آموزش یک فعالیت مشخص و دقیق طراحی شده است؛ پس هدفهای آن دقیق تر و مشخص تر و زودتر از هدف های پرورشی است. آموزش ممکن است با حضور معلم و یا بدون حضور معلم از طریق فیلم، رادیو، تلویزیون و سایر رسانه ها صورت گیرد. مفهوم تدریس به آن قسمت از فعالیت های آموزشی که با حضور معلم در کلاس درس اتفاق می افتد اطلاق می شود. تدریس بخشی از آموزش است و همچون آموزش یک سلسله فعالیت های منظم، هدفدار و از پیش تعیین شده را در بر می گیرد و هدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری از سوی معلم است. به آن قسمت از فعالیت های آموزشی که به وسیله ی رسانه ها و بدون حضور و تعامل معلم با دانش آموزان صورت می گیرد به هیچ وجه تدریس گفته نمی شود بنابراین آموزش معنایی عام تر از تدریس دارد. به عبارت دیگر می توان گفت هر تدریسی آموزش است ولی هر آموزشی ممکن است تدریس نباشد. چهارویژگی خاص در تعریف تدریس وجود دارد که عبارتند از :

الف- وجود تعامل بین معلم و دانش آموزان

ب- فعالیت براساس اهداف معین و از پیش تعیین شده

ج- طراحی منظم با توجه به موقعیت و امکانات

د- ایجاد فرصت و تسهیل یادگیری (شعبانی، ۱۳۹۰؛ ۶۵).

بند دوم: تعریف تدریس از دیدگاه مکاتب مختلف

مکاتب مختلف تربیتی نیز از دیدگاه های مختلفی به تحلیل و تعریف تدریس و فرایند یاددهی - یادگیری پرداخته اند، برای مثال، در قلمرو برنامه ریزی درسی، سنت گرایان به ابعاد عملی تدریس در کلاس درس تاکید دارند و از ورود مفاهیم دیگر به این حوزه اجتناب می ورزند. در این رویکرد چندان توجهی به چرایی و چگونگی موفقیت یک کلاس درس خاص در فرایند یاددهی - یادگیری نمی شود بلکه از دیدگاه مدیریت صنعتی و رفتارگرایی به فرایند آموزش توجه می شود. از دیدگاه سنت گرایان عمل گرا، چه در فرایند برنامه ریزی درسی و چه در فرایند تدریس، اهداف کلی آموزشی ابتدایاً به اهداف عینی و سپس به فعالیت های یادگیری تبدیل شوند. آنها معتقدند که کلیه اهداف آموزشی، محتوا و حتی خط مشی فعالیت معلمان در کلاس درس را باید دست اندرکاران امور تعلیم و تربیت در سطوح بالای وزارت آموزش و پرورش تعیین و تنظیم کنند. از منظر تجربه گرایان مفهومی، تدریس عبارت است از ایجاد موقعیت مطلوب تجربه که دانش آموزان در آن از طریق تجربه بیاموزند، موقعیتی که دانش آموزان را به تفکر و پژوهش وادارد. این دیدگاه درونگراست و همواره بر همبستگی تفکر و یادگیری تاکید دارد، و از ویژگی های بارز آن پیوند دادن فعالیت های کلاس درس با مسائل و پدیده های اجتماعی است (گودلد، ۱۹۷۹) (شعبانی، ۱۳۹۰). تدریس، مهمترین وظیفه معلمان، کاری بسیار پیچیده و دشوار است که اثر بخشی آن منوط به در نظر گرفتن عوامل بسیاری است. صاحب نظران فرایند تدریس را بوسیله مدل های مختلفی نشان داده اند. رایج ترین این مدل ها از سه قسمت مجزای برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی تشکیل یافته است (پروت ۱۳۸۲) آرمسترانگ، دنتون و ساویج (۱۹۷۸) یک مدل پنج مرحله ای را برای وظیفه تدریس پیشنهاد کرده اند که مراحل آن عبارت است از:

۱- مشخص کردن اهداف عملکرد

۲- شناخت دانش آموزان

۳- انتخاب روشهای آموزشی

۴- ایجاد تعامل با دانش آموزان

۵- ارزشیابی اثر بخش آموزش (نیکنامی ۱۳۹۱؛ ۱۵۱).

بند سوم: اجرای فعالیت های آموزشی

یکی از مهمترین مراحل فعالیت های آموزشی، اجرا یا عملیاتی کردن موضوعهای طراحی شده در محیط آموزشی است. بهترین برنامه های طراحی و تنظیم شده اگر به روش درست و منطبق با موقعیت اجرا نشوند ارزش چندانی نخواهد داشت، و در نهایت باشکست روبرو خواهند شد. اما انتخاب روش موفق و موثر در اجرا بستگی به شناخت مجری از فلسفه، اهداف، راهبردها، موقعیت ها، محتواها و روش های آموزش دارد. هرانسانی آن گونه عمل می کند که می اندیشد و باور دارد. اندیشه ها و باورهای بر اساس معرفت و دانش فرد شکل می گیرند. بنابراین این نوع تصمیم گیری معلم در رخداد های آموزشی رابطه مستقیم با شناخت او دارد. تغافل از شناخت عوامل موثر در فرایند یاددهی - یادگیری مانند: مدیریت کلاس درس، نظریه ها و روش های آموزش سبب می شود که معلم تصمیمی غیر منطقی و عامیانه در انجام فعالیت های آموزشی اتخاذ نماید (شعبانی، ۱۳۹۰؛ ۲۷۲).

بخش سوم: انواع روش های نوین آموزش، تدریس

بند اول: روش های تدریس مبتنی بر تعامل

الف) آموزش به کمک یادگیری مشارکتی^۱

یادگیری مشارکتی به روشی گفته می شود که در آن یادگیرندگان در گروه های کوچک با هم کار می کنند و برای دستاوردهای جمعی شان مورد تقویت قرار می گیرند. ویژگی مهم

^۱. cooperative learning

این روش آن است که در آن اعضای گروه باهم کار می‌کنند تا به هدف مشترکی برسند که هم کل گروه و هم فرد فرد اعضای گروه از آن سود می‌برند.

اقدامات مورد نیاز آموزش به کمک یادگیری مشارکتی

۱- تشکیل گروه‌های کوچک نامتجانس

۲- داشتن هدف‌های روشن

۳- وابسته بودن اعضای گروه به یکدیگر

۴- معلم به عنوان هدایت کننده

۵- مسئولیت فردی

۶- پاداش دادن به توفیق گروهی

۷- ارزشیابی از خود

۸- تنوع مدت کار (سیف، ۱۳۹۰؛ ۵۴۴)

ب) آموزش به کمک بحث گروهی^۱

آموزش به کمک بحث گروهی "به فراهم آوردن موقعیتی گفته می‌شود که در آن یادگیرندگان باهمدیگر، یا یادگیرندگان با معلم، به گفتگویی پردازنده اطلاعات، اندیشه‌ها، عقاید را باهم مبادله کنند یا به کمک هم به حل مسائل پردازند" (کروکشانک، جنکینس، و متکالف، ۱۹۳؛ ۲۰۰۶). در بحث گروهی مهارت‌های میان فردی عبارت‌اند از یادگیری:

- گوش دادن به صحبت‌های دیگران

^۱. group discussion

- تحمل دیدگاههای مخالف دیدگاه خود

- رعایت حق آزادی افراد دیگر

- واریسی انتقادی درك وفهم، نگرشها، وارزشیابی خودودیگران (سیف، ۱۳۹۰؛ ۵۲۵)

در شیوه بحثی، دانش آموزان فعالانه در یادگیری شرکت می کنند و مفهوم مورد نظر را از یکدیگر می آموزند دراین شیوه معلم را می توان به عنوان محرک، شروع کننده بحث و راهنما تصور کرد. معلم طوری سؤال یا مسئله را مطرح می کند که دانش آموزان را به پاسخگویی یا حل مسئله تشویق کند این شیوه در دو مورد زیر کاربرد خاصی دارد:

۱- موقعی که معلم می خواهد مفهوم جدیدی را به فراگیران بیاموزد (مانند موقعیت بالا) و انتظار دارد که همه آنها مفهوم را به شکلی واحد دریابند دراین صورت معلم سعی می کند که بحث را به جهتی بکشاند که شکل صحیح مفهوم از آن نتیجه گیری شود.

۲- هدف معلم این است که ذهن دانش آموز را به تکاپو و جستجو وادارد. دراین صورت معلم مسئله ای را عنوان می کند که تا دانش آموزان راه حل آن را پیشنهاد کنند در این موقعیت معلم سعی می کند که موضوع بحث را به دلخواه خود کنترل نکند تا راه حلی را که خود در نظر دارد به کلاس تحمیل نکرده باشد (بهرنگی، ۱۳۸۴؛ ۲۶۱).

مراحل آموزش روش بحث گروهی

۱- انتخاب موضوع بحث

۲- یافتن زمینه مشترک برای بحث

۳- بیان هدفهای آموزشی ومحدوده زمانی

۴- ترتیب دادن چگونگی نشستن افراد در جلسه بحث گروهی

۵- هدایت جریان بحث (سیف، ۱۳۹۰؛ ۵۲۶)

ج) روش پرسش و پاسخ

در این روش، معلم دانش‌آموزان را به تفکر و تلاش درباره مفهومی جدید یا بیان مطلبی تشویق می‌کند. وی اندیشه‌ها و تفکرات خود را به دانش‌آموزان دیکته نمی‌کند بلکه چون آینه‌ای تفکرات و احساسات آنان را منعکس می‌سازد، و با اظهار نظرات منطقی، ادراک‌ها و فعالیت‌های دانش‌آموزان را جهت می‌دهد. اگر دانش‌آموزی در دستیابی به اهداف آموزشی یا توانایی در پاسخ‌دهی دچار مشکل شود معلم مشکل را تنها با توضیح برطرف نمی‌سازد بلکه به دانش‌آموز کمک می‌کند با انتخاب راهبرد‌های مناسب، خود شخصاً در جهت حل مشکل اقدام نماید. او بعنوان یک تسهیل‌کننده رخداد‌های آموزشی از داوری یا نتیجه‌گیری علمی و اخلاقی می‌پرهیزد. دانش‌آموزان در بیان عقاید خود کاملاً آزادند، و روابط معلم با دانش‌آموزان فارغ از هر گونه فشار و تحمیل است.

روش پرسش و پاسخ بر سه اصل متکی است:

۱- وجود سوال یا مسئله‌ای که کنجکاوی دانش‌آموزان را برانگیزد و آنان را وادار به تلاش ذهنی کند؛

۲- طرح سوالات متوالی برای تداوم فعالیت‌های ذهنی؛

۳- هدایت تلاش ذهنی، برای کشف آگاهانه مسئله بطوری که نتیجه آن به خلاقیت فکری و کسب دانش منجر شود؛

هدف از روش پرسش و پاسخ، تشخیص و تحریک تفکر، توانایی‌ها، علائق، تقویت قدرت استدلال، سنجش و قضاوت، استفاده از تجارب و دانسته‌های گذشته و ایجاد اعتماد به نفس در دانش‌آموز است (شعبانی ۱۳۹۰: ۳۲۵). شیوه پرسش و پاسخ شیوه‌ای است که معلم به وسیله آن فراگیر را به تفکر درباره مفهومی جدید یا بیان مطالبی فراگرفته شده تشویق می‌کند معلم وقتی که می‌خواهد مفهوم دقیقی را در کلاس مطرح نماید یا توجه فراگیران را به موضوعی جلب کند شیوه پرسش و پاسخ را به کار می‌برد و نیز بدین وسیله

فراگیر را تشویق می کند تا اطلاع خود را درباره موضوعی بیان کند ممکن است برای مرور کردن مطالبی که قبلا تدریس شده اند مفید باشد یا وسیله خوبی برای ارزشیابی میزان درک فراگیر از مفهوم مورد نظر باشد (دهنوی، ۱۳۸۰؛ ۵۵). جایگزینهایی برای ازبرخوانی یا حفظ کردن محتوای علمی

- چگونه می توان تنوع فعالیتها را در کلاسهایی که پرسش و پاسخ بیشتر بر اساس محفوظات است ارتقاء بخشید؟

برای دستیابی به چنین هدفی معلم ابتدا باید جایگزین های مختلفی مانند سخنرانی، روش توضیحی، بحث گروهی، و رویکردهای بازو انسان گرایانه را در چهارچوب تدریس خود مورد بررسی قرار دهد، و با توجه به انواع فعالیت های متناسب با گروه بزرگ (۴۰ نفر)، گروه کوچک (۲ تا ۲۰ نفر) و آموزش انفرادی (یک نفر) آنها را انتخاب نماید.

جایگزینهای گروه بزرگ:

۱- روشهای نمایشی مانند روش سخنرانی یا توضیحی توسط یاددهنده یا یادگیرندگان ؛

۲- گزارش شفاهی به کل کلاس توسط تک تک یادگیرندگان یا گروهی از آنها؛

۳- نمایش اسلاید، فیلم یا مشاهده تلویزیون؛

۴- استفاده از وسایل شنیداری مانند رادیو یا نوارهای صوتی.

جایگزینهای گروه کوچک :

۱- مباحثه های ۲۰ تا ۳۰ دقیقه ای بین جفتها یا گروه های دانش آموزی؛

۲- ایفای نقش یا استفاده از امکانات شبیه سازی شده؛

۳- بحث گروهی به صورت میزگرد؛

۴- ساخت یا اجرای یک پروژه؛

۵- بحث در مورد درستی یا نادرستی پاسخ های آزمونی که قبلاً گرفته شده است.

۶- اجرای هماهنگ فعالیت ها به منظور اجرای عمیق تمرین ها و تسهیل آموزش مهارت ها.

جایگزینهای آموزش انفرادی :

۱- ارزشیابی مواد تابلوی اعلانات ؛

۲- مشورت در مورد کتاب های منبع و سایر مواد کتابخانه ؛

۳- مشورت در اجرای کارهای پژوهشی؛

۴- مشورت درباره چگونگی استفاده از منابع الکترونیکی (شعبانی، ۱۳۹۰؛ ۱۷۳).

چ) الگوی ایفای نقش

معلم بنا به موقعیت، هدف و موضوع مورد نظر، بعنوان یک روش از آن استفاده می کند. افرادی که در روش ایفای نقش شرکت دارند عبارتند از :

۱- معلم یا مسئول اجرا. برنامه ریزی، فراهم کردن امکانات و مدیریت عملیات در اجرای نمایش بر عهده معلم است. در حقیقت او کارگردان نمایش است.

۲- ایفاگران نقش. ایفاگران نقش، دانش آموزانی هستند که بطور داوطلب و یا انتخابی در اجرای نمایش شرکت می کنند. این افراد الزاماً نیازی به داشتن تجربه و ذوق هنری در زمینه ی نمایش ندارند.

۳- مشاهده کنندگان. سایر دانش آموزان کلاس جز مشاهده کنندگان به حساب می آیند. این افراد در جریان یا پایان نمایش می توانند درباره عملیات نمایش اظهار نظر، سوال یا بحث کنند.

در این روش، دانش آموزانی که به ایفای نقش می پردازند معمولاً یکدیگر را مخاطب قرار می دهند و گفتگو بین آنان صورت می گیرد. صحنه اجرای نمایش باید طوری طراحی شود که همه دانش آموزان بتوانند نمایش را ببینند و ایفاگران نقش باید طوری صحبت کنند که همه بینندگان گفتگوی آنان را بشنوند (شعبانی ۱۳۹۰؛ ۳۲۷).

(ح) روش بدیعه پردازی (افزایش تفکر خلاق)

هدف این الگو افزایش تفکر خلاق و مشکل گشایی در مواقع خاص، برهم زدن سنت های متداول و گسترش افق های فردی و اجتماعی در دانش آموزان است. معلم سئوالاتی از دانش آموزان می نماید، ولی پاسخ دانش آموزان کاملاً باز است و معلم بایستی کمک کند تا شاگردان تفکر خود را بسط دهند این الگو باعث رشد خلاقیت و نوع آوری، همبستگی گروه و برهم زدن سنت ها در نزد انظار می شود.

مراحل تدریس الگو عبارتند از :

- ۱- توصیف وضعیت جدید به کمک معلم.
- ۲- قیاس مستقیم به نحوی که معلم قیاس مستقیم (مقایسه ساده از دو موجود یا دو مفهوم) را پیشنهاد و از شاگردان می خواهد آنها را توصیف کنند.
- ۳- قیاس شخصی به نحوی که معلم شاگردان را به قیاس مستقیم (شدن) ترغیب می کند.
- ۴- مقایسه قیاس ها از طریق شاگردان.
- ۵- توضیح تفاوت ها به کمک شاگردان.
- ۶- اکتشاف به کمک شاگردان.

۷- قیاس زدایی، شاگردان مجدد به بیان شباهتها و تفاوت های قیاس می پردازند (بهرنگی،

خ) روش پروژه ای

روش تدریس پروژه ای به دانش آموزان امکان می دهد تا قدرت مدیریت، برنامه ریزی و خودکنترلی را درخودشان ارتقاء بخشند. دراین روش دانش آموزان می توانند با توجه به علاقه ی خود موضوعی انتخاب و به طور فعالانه در به نتیجه رساندن آن موضوع شرکت نمایند. براین اساس دراین روش دانش آموزان یادمی گیرندکه چگونه به طورمنظم و مرحله ای کاری را درست انجام دهند واین روش باعث تقویت اعتماد به نفس دردانش آموزان می شود زیرا بین آنها و معلم رابطه صحیح آموزشی برقراراست و در نهایت این روش باعث تقویت همکاری، احساس مسئولیت، انضباط کاری صبر وتحمل در انجام امور و تحمل عقاید دیگران و مهارت های اساسی پژوهش در دانش آموزان می شود (صفوی، ۱۳۸۷؛ ۴۸).

بند دوم: روشهای تدریس مسئله محور

الف) روش واحد محور

روش واحد محور در نتیجه تمرکز و توجه و فعالیت روی یک سلسله مسائل پیوسته و استفاده از ارتباط آن ها با مسائل دیگر - صرف نظر از تفکیک تصنعی و رسمی رشته ها - به وجود می آید. این توجه، گاهی به موضوع مورد مطالعه است که در این صورت آن را ((واحد موضوع محور)) می گویند و ممکن است در آن چند مبحث یک رشته توام و ترکیب شوند؛ مثل ((زندگی در دوران صفویه)) که جنبه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره آن با یکدیگر ارتباط پیدا می کند. ولی گاهی اوقات به جای اینکه توجه اصلی به موضوع معطوف شود، به رغبت ها و تجارب قبلی دانش آموز و گسترش آن برای کسب تجارب آینده معطوف می شود که در اینصورت آن را ((واحد تجربه محور)) می نامند. گاهی نیز توجه اصلی به فعالیت دانش آموز و انگیزه درونی و نتیجه گیری از فعالیت او معطوف می شود که دراینصورت آن را ((واحد پروژه محور)) می نامند. در واحد موضوع محور، طرح فعالیت بوسیله معلم تنظیم و هدایت می شود. در

واحد تجربه محور، معلم و دانش آموز در تنظیم طرح و فعالیت ها همکاری می کنند، ولی در اجرای آن، مدت و موضوع مطالعه قابل تغییر است، و بستگی به توان دانش آموز و توافق معلم دارد. در واحد پروژه محور، تنظیم منطقی موضوع قابل توجه نیست بلکه هدف دانش آموز و رغبت و فعالیت اوبرای رسیدن به هدف آموزشی اهمیت دارد (شعبانی ۱۳۹۰؛ ۴۰۸).

ب) روش حل مسئله

در این روش آموزش در بستر پژوهش انجام می شود و منجر به یادگیری اصیل و عمیق و پایدار در دانش آموزان می شود دراین روش ابتدا معلم باید مسئله را مشخص، سپس به جمع آوری اطلاعات توسط دانش آموزان پرداخته شود و بعد از جمع آوری اطلاعات براساس اطلاعات جمع آوری شده دانش آموزان فرضیه سازی و درنهایت فرضیه ها را آزمون و نتیجه گیری شود. اگر روش حل مسئله درست انجام شودمی تواند منجر به بارش یا طوفان فکری گردد یعنی اگر معلم روش تدریس حل مسئله را به درستی انجام دهد دانش آموزان می کوشند تا برای حل مسئله با استفاده از تمام افکار و اندیشه هایی که دارند در کلاس راه حلی بیابند و آن را ارائه دهند. به بیان دیگر اگر معلم در روش تدریس حل مسئله به درستی عمل کند منجر به روش تدریس بارش مغزی نیز می شود. به طور کلی اگر نظام آموزش و پرورش بخواهد در جهت تقویت زمینه های بالقوه خلاقیت نقش مهمی ایفا کند همانا بست روش های تدریس حل مسئله و بارش فکری در کلاس درس توسط معلمان است (شعبانی، ۱۳۹۰ ؛ ۴۰). وقتی یادگیرنده باموقعیتی روبرومی شود که نمی تواند با استفاده از اطلاعات و مهارتهایی که داراست به آن موقعیت سریع پاسخ دهد، یا وقتی یادگیرنده هدفی دارد و هنوز برای رسیدن به آن راهی نیافته است، می گوئیم بامسئله روبرو است. مکاتب گوناگون حل مسئله را مورد توجه قرار داده اند (سیف، ۱۳۹۰؛ ۳۷۱).

ج) یادگیری اکتشافی

درروش آموزش برای یادگیری اکتشافی معلم مستقیماً موضوع های درسی رابه دانش آموزان آموزش نمی دهد، بلکه آنان را وا می داردتاخودشان به کشف وساختن دانش پردازند. آموزش برای یادگیری اکتشافی هدفهای زیادی رابراورده می سازد که اهم آن عبارت است از:

- واداشتن یادگیرندگان به اندیشیدن درپیش خود

- کمک به یادگیرندگان درکشف اینکه چگونه دانش به دست می آید

- بالا بردن مهارتهای تفکرسطح بالا

مراحل آموزش برای یادگیری اکتشافی^۱

۱- اقدامات پیش ازآموزش (تعیین قصدیاهداف، انتخاب یک موقعیت مشکل آفرین یامعما برانگیز)

۲- آموزش دادن درس (آماده ساختن یادگیرندگان وتوضیح دادن روشهای اکتشافی - ارائه موقعیت معمابرانگیز- جمع آوری اطلاعات یاداده هاوآزمایشگری- فرضیه سازی وتوضیح دادن-تحلیل فراینداکتشاف)

۳- اقدامات پس ازآموزش (ارزشیابی ازفعالیتهای یادگیرندگان ونتایج به دست آمده ودادن نوعی

بازخوردبه آنان) (سیف، ۱۳۹۰؛ ۵۳۴)

چ) الگوی آموزش کاوش گری

^۱. teaching for discovery learning

روش کاوشگری^۱ باعث تقویت استدلال فراگیران، شناخت مفاهیم، فرضیه ها و آزمون آنها در دانش آموزان می شود دراین الگو جو همکاری بین معلم و شاگردان وجود دارد ولی سیستم اجتماعی بیشتر توسط معلم به ترغیب فراگیران جهت آغاز کاوشگری می پردازد و شیوه های کاوشگری را به آنها یاد می دهد این الگو منجر به یادگیری و تقویت مهارت های جریان علمی، کاوشگری خلاق، تقویت روح خلاقیت، استقلال در یادگیری، تحمل ابهام و موقتی بودن دانش در دانش آموزان می شود.

مراحل تدریس الگو عبارت است از :

- مواجه نمودن فراگیران با مسئله
- گردآوری داده ها درخصوص مسئله و اثبات آن
- طبقه بندی داده ها (اطلاعات)
- تجزیه و تحلیل داده ها
- تحلیل جریان کاوش (بهرنگی، ۱۳۸۴ ؛ ۴۲۰).

الگوی کاوشگری به شیوه حقوقی

این الگو برای کمک به دانش آموزان در بررسی مسایل اجتماعی از قبیل عدالت، برابری فقر، قدرت، تقویت رشد عمومی و اجتماعی آنها برای توجیه و حل این گونه مسایل به شیوه مذاکره است. در این الگو معلم آغازگر، کنترل کننده ی جو برای ایجاد یک فضای مثبت کاری و عقلی، باز و پویا است و به فراگیران تفهیم می کند که یکدیگر را مستقیم ارزیابی نمایند و به عقاید و نظرات همدیگر احترام بگذارند. این الگو بیشتر برای دوره های دبیرستان و دانشگاه کاربرد دارد و درنهایت باعث تقویت روحیه همدلی، قضاوت منطقی درخصوص مسائل اجتماعی تحلیل مناسب مسائل روز و تقویت کاردسته جمعی در

^۱. inquiry method

دانش آموزان می شود. مثال: فرض کنید بعضی از دانش آموزان با سهمیه ای شدن کنکور سراسری مخالف هستند، معلم از طریق شرکت سهامی فکر با دانش آموزان به بررسی این مهم می پردازند و در نهایت به کمک خود دانش آموزان آنها را قانع می نماید (بهرنگی، ۱۳۸۴؛ ۱۳۱).

الگوی کاوش گری علمی: این الگو باعث آموزش علمی به سبک های مشخص و آموزش مفاهیم بنیادی در دانش آموزان می گردد. رسالت معلم در این الگو پرورش کاوشگری، ایجاد جوی توأم با همکاری و داشتن انعطاف است. این الگو منجر به دانش علمی تعهد به کاوشگری علمی، ژرف اندیشی و روح مهارت همکاری در دانش آموزان می شود. مراحل این الگو عبارتند از:

۱- فراهم آوردن زمینه جستجو برای دانش آموزان

۲- تعیین مسئله از سوی دانش آموزان

۳- مشخص کردن مسئله در هر جستجو توسط دانش آموزان

۴- دانش آموزان حدس در خصوص راههای توضیح مشکل می پردازند (یغما، ۱۳۸۱؛ ۴۱).

الگوی کاوشگری علوم اجتماعی

این الگو باعث درک مسائل اجتماعی، از قبیل: مردم شناسی، جامعه شناسی، فرهنگ شناسی، مهارت عقلی، آموختن اطلاعات، تشکیل مفاهیم و استفاده مناسب از مفاهیم در دانش آموزان می شود. در این الگو معلم موقعیت کاوشگری را ایجاد و از دانش آموزان می خواهد تا به بررسی و نتیجه گیری در مورد آن پردازند. این الگو در تمام سنین و دوره های تحصیلی به ویژه در درس علوم اجتماعی کاربرد دارد و در نهایت باعث تقویت فهم و درک دانش آموزان در خصوص مسائل اجتماعی می شود (بهرنگی، ۱۳۸۴؛ ۲۶۹).

ح) شیوه گردش علمی

گردش علمی به دانش آموزان امکان می دهد که از طریق مشاهده طبیعت، وقایع، فعالیتهای اشیاء و مردم تجربه علمی بدست آورد. در گردش علمی دانش آموزان با مشاهده واقعیت ها می توانند مفاهیمی را که در کلاس مورد بحث قرار می گیرد بهتر در ذهن خود پیروارند و معلم می تواند با استفاده از این شیوه کنجکاوی فراگیران را درباره موضوعی خاص برانگیزد. در بعضی موارد، می توان از گردش علمی برای جمع آوری اطلاعات لازم برای انجام گرفتن آزمایش، یا یک پروژه، بهره گرفت. مثلاً اگر هدف درس (شناختن کانی های دارای ارزش اقتصادی) باشد می توان دانش آموزان را به چند معدن برد تا کانی های مختلف را جمع آوری کنند و آنها را در کلاس بعد از آزمایش های لازم بشناسند (میرزا محمدی، ۱۳۹۰؛ ۸۷).

خ) الگوی آموزش آزمایشگاهی

این الگو باعث افزایش فهم اجتماعی، مهارت، توانایی یادگیری و تقویت کارگروهی در دانش آموزان می شود. معلم در این الگو نقش مشاور را ایفا نموده و دانش آموزان را حمایت می نماید. در نهایت منجر به تقویت یادگیری و آموزش در بستر پژوهش در آنها می شود. این الگو برای کلیه دروس به ویژه علوم دقیق و در تمام دوره های تحصیلی و سنین مختلف کاربرد دارد (شعبانی، ۱۳۹۰؛ ۹۱).

شیوه آزمایشی (روش اجرا کردن یا یادگیری به وسیله عمل): آزمایش فعالیتی است که در جریان آن فراگیران با به کار بردن وسایل و مواد بخصوصی درباره مفهومی خاص عملاً تجربه کسب می کنند. آزمایش معمولاً در آزمایشگاه انجام می گیرد، اما نداشتن آزمایشگاه مجهز یا وسایل مناسب در مدرسه نباید دلیلی برای انجام ندادن آزمایش در کلاس باشد وسایل بسیار ساده ای لازم است که معلم و حتی دانش آموز می تواند به آسانی آنها را تهیه کند. آزمایش، گاهی به منظور آشنا کردن دانش آموزان با جنبه های عملی یک مفهوم، مورد استفاده قرار می گیرد. برای اینکار معلم دستورالعمل انجام

آزمایش را در اختیار فراگیران می گذارد و انتظار دارد که دانش آموزان با استفاده از دستورکار سرانجام به نتیجه یکسانی برسند. درموارد دیگر آزمایش به منظور فراهم آوردن محیطی مناسب برای حل مسئله تلقی می شود. در این صورت معلم جهت کلی فعالیت را مشخص می کند و فراگیران را برآن می دارد تا دراجرای آزمایش به طورمستقل تصمیم گیری و نتیجه گیری کنند. آزمایش برای تدریس مفاهیم علوم تجربی به ویژه فیزیک بسیار لازم است و بدون آن دانش آموز نمی تواند مفاهیم مورد نظرا به درستی فراگیرد (سنگری، ۱۳۸۳؛ ۱۰۴).

ک) الگوی تدریس غیر مستقیم

این الگو باعث مشارکت فراگیران در یادگیری شده و به آنها یاد می دهد که چگونه خود را به فراگیری مطالب پرداخته و مسائل را حل نمایند. معلم نقش هادی، راهنما و تسهیل کننده را دارد و دانش آموز آغازکننده به نحوی که معلم به دانش آموزان کمک می کند تا مسائل را تعریف و برای حل موفقیت آمیز آنها اقدام نمایند. همچنین معلم بایستی مکانی آرام توأم با جو مثبت و اطلاعات مورد نیاز برای دانش آموزان فراهم نماید. این الگو دانش آموزان را قادر به افزایش آگاهی فردی، رشد خود، هدفهای اجتماعی و تحصیلی متنوع می نماید.

مراحل تدریس این الگو عبارتند از:

۱- تعریف موقعیت توسط فراگیر به نحوی که معلم ابراز احساسات را ترغیب می کند.

۲- کشف مشکل به وسیله دانش آموزان.

۳- رشد بینش توسط بحث دانش آموزان درباره مسئله و حمایت معلم از آنها.

۴- برنامه ریزی و تصمیم گیری توسط دانش آموزان.

۵- یکپارچگی از طریق توسعه بینش دانش آموزان درخصوص مسئله و حمایت معلم از آنها (سنگری، ۱۳۸۳؛ ۲۲۱).

گ) روش کارگاهی

روش تدریس کارگاهی یکی از روش های مؤثر یاددهی و یادگیری است که در بیشتر موارد با روش سخنرانی، سمینار، کنفرانس و سمپوزیوم یکسان بکار برده می شود. برای درک بهتر روش کارگاهی ابتدا به مفاهیم ذکرشده می پردازیم و سپس روش کارگاهی را شرح می دهیم:

سمینار: عده ای صاحب نظر هستند که دورهم جمع شده و تبادل نظری می کنند. (البته تعداد افراد در سمینار محدود باشد، حداکثر ۱۰ نفر که به گروه های کوچک ۱۰ الی ۱۵ نفری تقسیم می شود و تبادل نظری کنند و در نهایت کل گروهها به تبادل نظری پردازند).

کنفرانس: محقق به نظریه ای رسیده است آن را برای دیگران مطرح می کند.

سمپوزیوم: مانند سمینار است و تنها تفاوت آن با سمینار در این است که افرادی که در سمپوزیوم شرکت می کنند تخصصی تر سطح آگاهی آنها از دیگران برتر است (در سطح بالاتری از سمینار قرار دارد).

حال به بررسی روش تدریس کارگاهی می پردازیم.

مرحله ارائه درس کوتاه:

این مرحله مبانی نظری مورد بحث توسط مدرس کارگاه تبیین و تحلیل می شود.

مرحله فعالیت و کار: دانش آموزان، دانشجویان و یا کارورزان و مربیان شرکت کننده در کارگاه به گروه های کوچک ۲ الی ۳ نفره یا انفرادی تقسیم و بر روی موضوعات تعیین شده فعالیت می نمایند.

مرحله مشارکت : در این مرحله مجدداً دانش آموزان شرکت کننده در کارگاه که به گروه های ۲ الی ۳ نفره یا انفرادی تقسیم شده بودند دور هم جمع می شوند که به بحث و بررسی جمع بندی موضوعات تعیین شده می پردازد. (حداکثر زمان این مرحله از کل زمان کارگاه است) بدیهی است که در اجرای کلاس کارگاه آموزش باید از روش مهارت آموزی (ابتدا و انتهای فعالیت کاملاً مشخص شده است) سود جست. کاربرست روش تدریس کارگاهی می تواند نتایج آموزش را تضمین کند البته با رعایت نکات زیر :

مرحله درسی کوتاه و فشرده :

۱- معلم ابتدا اهداف و انتظاراتی که از کارورزان و دانش آموزان دارد دقیقاً بیان و تحلیل می نماید و از طریق آزمون تشخیصی، رفتار ورودی آنها را می سنجد.

۲- معلم مبانی نظری هر محور کلی را در سالن عمومی تبیین و تحلیل نموده و به رفع اشکالات کارورزان یا دانش آموزان در ابعاد نظری می پردازد. البته بهتر است قبل از تشکیل کارگاه مبانی نظری را (به منظور تسلط دانش آموزان) برای آنها ارسال کند.

۳- سپس معلم (مدرس) دانش آموزان را به گروه های کوچک کاری تقسیم نموده و یک نفر به عنوان مسئول و گزارشگر و یک نفر به عنوان منشی انتخاب که جلسات کارگاهی را اداره و نکات کلیدی را یادداشت نمایند.

۴- زمان بهینه برای این مرحله حداکثر معادل کل زمان کارگاه آموزشی است.

مرحله فعالیت گروهی و انجام وظایف انفرادی :

۱- در این مرحله کار مسئول گروه کاری، همانا استخراج مفاهیم کلیدی براساس مباحثات همه کارورزان است سپس منشی گروه کاری کلیه نکات کلیدی را که درمورد توافق اکثریت گروه است نوشته و طبقه بندی می نماید. شایسته است که منشی جلسه کلیه نکات مطروحه را بر روی تابلو نوشته تا کلیه دانش آموزان آنها را مشاهده و سرانجام پس از نهایی شدن روی کاغذ منعکس نماید.

۲- زمان بهینه برای این مرحله حداکثر معادل کل زمان کارگاه آموزشی است.

۳- محل تشکیل گروه های کاری باید جدا از یکدیگر باشد.

مرحله مشارکت و جمع بندی :

۱- کلیه دانش آموزان درسالن عمومی جمع شده و سپس مسئولین گروه های کاری به ترتیب گزارشی از نتایج مباحثات برروی موضوعات مطروحه را ارائه و سپس نکات کلیدی مشخص و توصیه های کاربردی به عمل می آورند.

۲- زمان بهینه برای این مرحله همان حداکثر معادل کل زمان کارگاه آموزشی است. در پایان یعنی مرحله ارزشیابی و بازخورد کارگاه، مدرس به اجرای آزمون سپس خروجی پرداخته و آن را با آزمون پیش ورودی مقایسه می نماید و نگرش دانش آموزان را نسبت به کارگاه (البته بدون ذکرنام) دریافت می کند (بهرنگی، ۱۳۸۴؛ ۱۳۹).

ل) الگوی آگاهی یابی

اهداف این الگو کمک به دانش آموزان برای توسعه آگاهی از توانایی های خویشان در تفکر واحساسات گروهی، مناسب انسانی و ایجاد تصورذهنی از خود است. معلم باید در این الگو انعطاف پذیر باشد این الگو منجر به افزایش آگاهی، خود یکپارچگی روابط میان فردی می شود.

مراحل این الگو عبارتند از :

۱- مشخص کردن تکلیف برای شاگردان از طریق ایجاد محیط امن برای آنها

۲- بحث و تحلیل درخصوص گام اول (میرزامحمدی، ۱۳۸۳؛ ۵۶)

ص) الگوی دیدار در کلاس درس

این الگو برای کمک به فراگیران در پذیرش مسئولیت رفتار و شرایط اجتماعی است معلم بایستی دارای شخصیتی صمیمی و ماهر در فنون بحث میان فردی باشد این الگو باعث استقلال و خود محبت دهی و آزاد اندیشی می شود.

مراحل الگو عبارتند از :

۱- استقرار فضایی از پذیرش مشارکت (تشویق دانش آموزان برای مشارکت و سخن گفتن).

۲- طرح مسئله برای بحث به وسیله دانش آموزان یا معلم و بررسی پیامدهای آن

۳- بررسی قضاوت ارزشی توسط فراگیران درخصوص مسئله

۴- تعیین اقدام دیگر جایگزین از طریق توافق دانش آموزان که کدام مسئله را پیگیری نمایند.

۵- التزام علمی دانش آموزان در برابر جمع

پیگیری رفتاری از طریق سنجش رفتارهای جدید ایجاد شده در دانش آموزان.

ض) الگوی آموزش برای رشد مفهوم و مهارت

این الگو معمولاً به دو صورت زیر است :

۱- الگوی نظریه و عمل :

مانند یک مهارت ریاضی که در آن مهارت با نشان دادن ممارست، بازخورد و نظارت در هم می آمیزد تا دانش آموز بر آن مهارت تسلط یابد.

۲- شبیه سازی که از توصیف موقعیت های زندگی ایجاد می شود :

مثال : معلم در درس جغرافیا، از کره زمین و یا دردرس علوم از مولاژ استفاده می کند و اندامها و دستگاه های مختلف بدن انسان را نشان می دهد. دراین الگو معلم نقش هادی و راهنما را دارد و بایستی یادگیری با تشکیل شرکت سهامی فکر بین دانش آموزان و معلم انجام گیرد این الگو در همه سنین و سطوح تحصیلی کاربرد دارد و در نهایت باعث افزایش مفاهیم و مهارت های آگاهی درباره سیستم های اجتماعی، همدردی، آگاهی از تنش تغییر و احساس اثربخشی در دانش آموزان می شود (میرزا محمدی، ۱۳۹۰؛ ۴۹).

بند سوم: روشهای تدریس مبتنی برانتقال مستقیم

الف) الگوی یاد سپاری

این الگو باعث تأکید بر پردازش اطلاعات، افزایش یادسپاری و درونی کردن اطلاعات در دانش آموزان می شود. معلم و شاگردان بصورت یک گروه برای دادن مطالب جدید جهت یادسپاری تلاش می کنند. این الگو نیاز به عکس، وسایل مجسم، فیلم و سایر مطالب دیداری و شنیداری دارد. معلم شاگردان را درتعیین موضوع ها، جهت ها و تصویرهای کلیدی یاری می کند. این الگو دانش آموزان را در تسلط برحقایق و افکار سیستمی برای یادسپاری تقویت قدرت ذهنی و افزایش یادسپاری کمک و درتمام مراحل و سنین کاربرد دارد. مراحل تدریس این الگو عبارت است از :

۱- توجه به مطالبی که باید یادسپاری شوند ازطریق خط کشیدن زیر آنها و...

۲- ایجاد ارتباط از طریق فنون کلمه کلیدی و کلمه جایگزین

۳- بسط تصاویر

۴- تمرین و یادآوری به منظور آموختن شدن کامل (شعبانی، ۱۳۹۰؛ ۲۷۴).

ب) روش آموزش برای یادگیری در حد تسلط (تدریس تسلطی)

"روشی برای سازمان دادن به آموزش، متکی به این فرض که دانش آموزان می توانند بیاموزند به شرط آنکه زمان و کمک مورد نیاز آنان در اختیارشان گذاشته شود"

مراحل آموزش برای یادگیری در حد تسلط:

- ۱- تعیین هدفهای یادگیری
- ۲- تعیین رفتارهای ورودی و سنجش آغازین
- ۳- تعیین حد تسلط
- ۴- تعیین واحدهای آموزش - یادگیری
- ۵- اجرای آموزش گروهی
- ۶- اجرای ارزشیابی تکوینی و آموزش اصلاحی
- ۷- اجرای ارزشیابی تراکمی و نمره گذاری

هدف این الگو ایجاد و تقویت مهارت های اساسی، مطالب آموختنی از ساده به مشکل و دادن مطالب درسی به صورت انفرادی به دانش آموزان و استفاده از تکنولوژی دیداری و شنیداری در دانش آموزان است. در این الگو معلم حامی دانش آموزان است و به آنها کمک می کند تا مستقل یاد بگیرند. این الگو در نهایت دانش آموزان را قادر به تسلط بر محتوای علمی، تقویت انگیزه درس خواندن، توانایی کنترل خود و تقویت عزت نفس می نماید این الگو در همه دوره های آموزشی و سنین مختلف کاربرد دارد (میرزا محمدی، ۱۳۹۰؛ ۳۸).

ج) روش کنفرانس (گرد هم آیی)

« این روش با روش سخنرانی تفاوت دارد زیرا در روش سخنرانی، معلم مسئول دادن اطلاعات به دانش آموزان است. در حالیکه در این روش اطلاعات توسط دانش آموزان جمع آوری و ارائه می گردد. این روش می تواند مشخص کند که دانش آموزان تا چه اندازه می دانند. این روش یک موقعیت فعال برای یادگیری به وجود می آورد. نقش معلم در کنفرانس صرفاً هدایت و اداره کردن جلسه و جلوگیری از مباحثاتی است که منجر به انحراف از موضوع کنفرانس و روال منطقی آن شود این روش برای کلیه دروس و سنین مختلف کاربرد دارد (شعبانی، ۱۳۹۰؛ ۴۳).

چ) روش شاگرد-استادی

قدمت این روش به زمانی که انسان مسئولیت آموزش دهی انسانهای دیگر را چه از طریق غیررسمی و چه از طریق رسمی به عهده گرفت می رسد و قدمت آن به صدر اسلام برمی گردد. مسجد نخستین مؤسسه ای بود که چنین سیستمی را برای تعلیم و تربیت مسلمانها به کار برده است. از روشهای تعلیمی که در روش شاگرد-استادی حائز اهمیت است روش حلقه یا مجلس است که پیامبر عظیم الشان اسلام از این روش به مردم آن زمان آموزش می داد. همه افراد در کودکی دوست دارند نقشی غیر از نقش واقعی خود بازی کنند. روش شاگرد-استادی به این نقش خیالی، جامه عمل می پوشاند. در این روش به دانش آموزان اجازه داده می شود که نقش معلم را ایفا کنند. هدف اساسی این روش آن است که شاگرد، معلم گردد و از این طریق تجارب تازه و ارزشمندی به دست آورد. در این روش، در صورت فقدان معلمان متخصص، تعداد زیادی از دانش آموزان مهارت خاص را آموخته اند و می توان از آنها استفاده کرد (صفوی، ۱۳۸۷؛ ۳۰).

ح) روش چند حسی (مختلط)

استفاده از این روش مستلزم به کارگرفتن همه حواس است و جریان یادگیری از طریق تمام حواس صورت می گیرد. از طریق کار بست این روش می توان، مطالب و مهارتها را درک

کرد، ارتباط مؤثرتری برقرار کرد. مهارت ها و مطالب را از یک موقعیت به موقعیت دیگر تعمیم داد. دریادگیری روش چند حسی به طور کلی از همه حواس استفاده می شود. به بیان دیگر، یادگیری بصری که ۷۵٪ از مجموع یادگیری ما از طریق دیدن است. یادگیری سمعی که ۱۳٪ از مجموع یادگیری ما از طریق شنیدن است، لمس کردن که ۶٪ از مجموع یادگیری ما از طریق لمس کردن است. چشیدن که ۳٪ از مجموع یادگیری ما از طریق چشیدن است و بویدن که ۳٪ از مجموع یادگیری از طریق بویدن است (صفوی، ۱۳۸۷؛ ۳۸).

خ) شیوه بازگویی

بازگویی شیوه ای است که معلم بکار می برد تا فراگیر را در بیاد سپردن اشعار، قواعد، فرمولها، تعاریف و اصطلاحات تشویق کند. در بازگویی معمولاً معلم از دانش آموز انتظار دارد که موضوع بیاد سپرد را کلمه به کلمه بیان کند. شیوه بازگویی مطالب با آنکه اغلب در کلاسها مورد استفاده قرار می گیرد ولی متأسفانه ضرورتاً دلالت بر تحقق یادگیری نمی کند. کاربرد این شیوه تنها نشان می دهد که دانش آموز مطالب مورد نظر را بیاد سپرده است. گاهی هدف معلم اساساً این است که دانش آموز موضوعی را بخاطر بسپارد تا برای درک مفهوم خاصی از آن را بکار برد، در این روش صورت بکارگرفتن این شیوه ممکن است مفید باشد (دهنوی، ۱۳۸۰؛ ۵۱).

ک) شیوه تمرینی

معلم معمولاً به وسیله تمرین، فراگیر را به تکرار مطلب یا کاربرد آن تشویق می کند تا فراگیر در موضوع مورد نظر تبحر لازم را کسب کند. مثلاً معلم انگلیسی از فراگیر می خواهد که با تکرار شفاهی اصطلاحات، تلفظ صحیح آنها را فراگیرد. یا بعد از یافتن طرز ساختن جملات شرطی، پنج جمله شرطی بسازد ممکن است معلم ریاضی، پس از درس دادن مفهوم مشتق و طرز مشتق گیری از توابع، از دانش آموزان بخواهد که ده مسئله در

رابطه با این موضوع حل کنند. در تمام موارد بالا معلم با استفاده از شیوه تمرینی، دانش آموزان را به تکرار یا کاربرد مفاهیم مورد نظرتشویق می کند (صفوی، ۱۳۸۷؛ ۴۵).

گ) استفاده از منابع دیداری و شنیداری

استفاده از منابع دیداری و شنیداری در تدریس را درحقیقت نمی توان شیوه مستقل و مجزا دانست. معلم درهرگونه تدریسی می تواند از وسایل دیداری و شنیداری کمک بگیرد. گاهی می توان در تدریس از وسایلی نظیر رادیو، تلویزیون و ضبط و پخش صوت، نمودار و نقشه استفاده کرد. مثلاً معلم در هنگام سخنرانی ممکن است ازعکس استفاده کند یا برای نمایش دادن یک رابطه علمی از نمودار کمک بگیرد. در مواردی که معلم می خواهد یک موضوع اجتماعی را تدریس کند ممکن است بحث رادیویی مناسبی را که روی نوار ضبط شده است برای فراگیران پخش کند. به طور کلی کاربرد صحیح منابع دیداری و شنیداری برای برانگیختن کنجکاوی دانش آموزان و تشویق آنها به فراگیران بسیار مؤثر است (میرزا محمدی، ۱۳۹۰؛ ۸۰).

ل) شیوه نمایشی

در این شیوه معلم معمولاً برای فهماندن مطلبی خاص به فراگیران از وسایل و اشیاء گوناگون استفاده می کند در صورتی که معلم نتواند برای فهماندن مطلب درسی آزمایش انجام دهد. شیوه نمایشی می تواند شیوه خوبی برای روشن تر کردن مفهوم برای فراگیران باشند (سنگری، ۱۳۸۳؛ ۱۰۳).

و) الگوی دریافت مفهوم

این الگو برای یاد دادن نحوه طبقه بندی کردن، نحوه فکر کردن و چگونگی دریافت مفهوم به دانش آموزان اهمیت دارد. در این الگو معلم به عنوان حامی و هدایت گر فرضیه های دانش آموزان است به نحوی که از قبل مفاهیم را انتخاب و در نمونه های مثبت و منفی سازمان می دهد و فراگیران را جهت نیل به این مفهوم هدایت می کند. این الگو دانش

آموزان قادر به مفهوم سازی پیشرفته، مفاهیم خاص، استدلال استقرایی، تسلط و آگاهی به چشم اندازها، دورنماها، تحمل ابهام و حساسیت به استدلال منطقی در ارتباطات می نماید.

مراحل الگوی تدریس دریافت مفهوم به شرح زیر است :

- عرضه مطالب و شناسایی مفهوم
- آزمون دستیابی به مفهوم
- تحلیل راهبردهای تفکر (شعبانی، ۱۳۹۰؛ ۱۵۰).

م) الگوی تفکر استقرایی

این الگو باعث بهبود ظرفیت تفکر، گردآوری، سازماندهی و کنترل اطلاعات و نامگذاری مفاهیم می شود به بیان دیگر این الگو به علت گردآوری اطلاعات سازماندهی و کنترل مطالب می شود. در این الگو معلم آغازگر فعالیت است زیرا فعالیت ها از قبل به وسیله معلم تعیین می شوند اما جو همکاری و دوستانه بین معلم و شاگردان وجود دارد تماس یکایک دانش آموزان برای دسترسی به اطلاعات فراهم نماید. این الگو منجر به افزایش آگاهی فردی و رشد خودکنترلی دانش آموزان می گردد و در همه سطوح تحصیلی کاربرد دارد. مراحل تدریس الگوی تفکر استقرایی عبارتند از :

- تکوین مفهوم
- تفسیر مطالب
- کاربرد اصول یا عقاید (شعبانی، ۱۳۹۰؛ ۱۵۹).

ن) الگوی پیش سازمان دهنده

این الگو باعث یادگیری با معنا در دانش آموزان می شود و در آن معلم، ساخت ذهنی را در دست دارد و همواره مطالب قبلی تمیز دهنده را در دست دارد و همواره مطالب

یادگیری را به سازمان دهندگان ارتباط می دهد و به شاگردان کمک می کند تا مطالب جدید را از مطالب قبلی تمیز دهند این الگو منجر به تقویت مفاهیم، درون سازی معنی دار اطلاعات و افکار، عادت به تفکر منظم و منطقی و تقویت روحیه کاوشگری در دانش آموزان می شود و برای کلیه سطوح تحصیلی مناسب است.

مراحل پیش سازمان دهنده :

- ۱- از طریق روشن کردن منظور درس به وسیله مثال و تکرار
- ۲- ارائه مطالب، یا وظیفه مورد نظر برای دانش آموزان بایک نظم منطقی.
- ۳- تحکیم سازمان شناخت از طریق یادگیری فعال و توافق مجدد و یک نظم منطقی
- ۴- تحکیم سازمان شناخت از طریق یادگیری فعال و توافق مجدد و یکپارچه (دهنوی، ۱۳۸۰؛ ۶۸)

بند چهارم: روش های آموزش مستقیم مستقل از معلم

الف) شیوه آموزش برنامه ای^۱

نوعی برنامه خودآموز که به طو رانفرادی به وسیله دانش آموزان مورد استفاده قرار می گیرد و در آن هر فرد با سرعت متناسب با توانایی خودش به یادگیری می پردازد آموزش برنامه ای یا یادگیری برنامه ای نام دارد. این روش بر مبنای اصول یادگیری زیردرست شده است:

۱- ارائه مطالب در گامها یا مراحل کوچک در برنامه آموزشی

۲- پاسخ دهی فعال

۳- تقویت فوری از راه دریافت بازخورد

^۱. program med instruction

۴- سرعت شخصی یادگیرنده در جریان یادگیری

ب) آموزش براساس کامپیوتر

زمانی که از کامپیوتر برای ارائه مواد برنامه آموزشی استفاده می شود به آن آموزش براساس کامپیوتر می گویند یادگیرندگان می توانند، به کمک آموزشهایی که کامپیوتر به آنها می دهد، با سرعت شخصی خود مهارت ها و کاربردهای ویژه ای را بیاموزند. آموزش براساس کامپیوتر بسیار انعطاف پذیر است و به کمک آن می توان هدف های سطوح مختلف را آموزش داد.

ج) آموزش مجازی^۱

این نوع آموزش به عنوان استفاده از اینترنت برای دسترسی به مواد یادگیری؛ تعامل با محتوا، معلم، و سایر یادگیرندگان؛ و دریافت حمایت در ضمن فرایند یادگیری، به منظور کسب دانش، ساختن معنی شخصی، و آموختن از تجربه یادگیری تعریف شده است (سیف، ۱۳۹۰؛ ۵۱۸).

چ) روش های آموزش انفرادی:

آموزش انفرادی^۲ به آموزشی گفته می شود که دانش آموزان در فعالیت های خود مستقل باشند و پیشرفت تحصیلی براساس توان فردی آنها صورت گیرد (شعبانی، ۱۳۹۰؛ ۴۲۲).

۱. الگوی یادگیری منبع - مدار

دوره هایی که با یادگیری منبع - مدار سروکار دارند عموماً بصورت مطالعه انفرادی هستند و از حالت خود - تدریسی و خود - تنظیمی برخوردارند و در این دوره ها همیشه از منابع یادگیری در مفهوم بالا استفاده وسیعی به عمل می آید و از امکانات و تسهیلات

^۱. online education

^۲. individual instruction

مرکز منابع استفاده می شود. با وجود این یادگیری منابع - مدار واقعی فراتر از استفاده صرف از از منابع است و مستلزم سیستم انفرادی کاملاً سازمان یافته است در تجربیات یادگیری فراگیر مدار باید هم از منابع انسانی و هم از منابع غیر انسانی استفاده زیادی کرد. سیستم های یادگیری منابع - مدار تمام رویکرد های یادگیری انفرادی مثل مطالعه شناور (انعطاف پذیر) و دوره های یادگیری از راه دور از جمله دوره های مکاتبه ای را شامل می شود. در داخل طیف وسیع یادگیری منابع - مدار، از مرکز منابع می توان بعنوان پایه ای گسترش یادگیری منابع مدار استفاده کرد (احدیان ۱۳۹۰؛ ۱۸۰)

۲. آموزش انفرادی تجویز شده

در آموزش انفرادی تجویز شده کل موضوع یا برنامه درسی باید به تعداد زیادی از بخش های سلسله مراتبی تقسیم شود. دانش آموز موظف است به صورت انفرادی روی بخش هایی که برای او تجویز شده است کار کند. وقتی یک بخش تمام شد باید به آزمون ضمیمه آن بخش پاسخ دهد و چنانچه نتیجه عملکرد او در آزمون رضایت بخش باشد، برای ادامه فعالیت هابه بخش بعدی هدایت خواهد شد. در غیر این صورت باید مطالعه آن بخش را ادامه دهد تا به حد تسلط برسد. نمره قبولی و حد تسلط در این نوع آموزش معمولاً دستیابی به ۸۰ درصد اهداف آموزشی است (شعبانی، ۱۳۹۰؛ ۴۳۲).

۳. آموزش انفرادی هدایت شده (IGE) ۱

فعالیت های آموزشی به صورت کارگاهی به منظور هم رتبه کردن اهداف و فعالیت های آموزشی معلمان، ایجاد همکاری منظم بین خانه و مدرسه، ساختن برنامه های درسی برای آموزش انفرادی، و ارتقاء مواد درسی آن اجرامی گردد. کلاس بندی این نوع مدارس مثل مدارس معمولی نیست بلکه به گونه ای است که یادگیرندگان سطوح مختلف می توانند در یک بخش از برنامه شرکت کنند. هر بخش بصورت آموزش گروهی یا توسط گروهی

۱. individually guided education

متشکل ازدوتاسه معلم که باهم کارمی کننداداره می شود. درهر واحددرسی معلمان وظایف، مسئولیت ها وتواناییهای متفاوتی دارند (شعبانی، ۱۳۹۰؛ ۴۳۴).

بخش چهارم: تکنولوژی آموزشی و روش های جدید تدریس

هرنظام آموزشی درصورتی در انجام رسالت خود موفق خواهد شدکه دارای معلمانی برخوردار از صلاحیت های علمی و آشنا به روش های آموزشی و مجهز به مهارت های آموزشی و شغلی و حرفه ای باشد. پس بنابراین سه بال معلم جهت پرواز موفقیت آمیز در فضای آموزش را می توان :

۱- صلاحیت های علمی مورد نظر

۲- جزئیات مفید و مؤثر آموزشی و اطلاعات عمومی

۳- تلقین آگاهی های علمی و تجربیات علمی نام برد.

بند اول: تکنولوژی تعلیم و تربیت و آموزش

نقش عمده تکنولوژی آموزشی کمک به بهبود کارایی کلی فرایند تدریس ویادگیری است. در تعلیم و تربیت این کارایی بهبود یافته وبه طریق گوناگون می تواند ظاهر شود.

به عنوان مثال:

۱- افزایش کیفیت یادگیری، یامیزان تسلط بر آن.

۲- کاهش مدت زمان مورد استفاده یادگیرندگان جهت دسترسی به اهداف مورد نظر.

۳- افزایش کارایی معلمان برحسب تعداد یادگیرندگان که به آنها آموزش داده می شود، بدون کاهش کیفیت یادگیری.

۴- کاهش هزینه ها، بدون اینکه بر کیفیت تاثیر بگذارد.

۵- افزایش استقلال یادگیرندگان و انعطاف امکانات آموزشی (احدیان، ۱۳۹۰: ۴).

بند دوم: عوامل مؤثر در لزوم کاربرد تکنولوژی آموزشی

- ۱- هماهنگی و همکاری نظام آموزشی با پیشرفت سریع علوم و تکنولوژی
- ۲- رفع، کاهش و پیشگیری از افزایش مسائل و مشکلات نظام آموزشی
- ۳- مشارکت و فعالیت هرچه بیشتر حواس فراگیران در جریان آموزش به منظور تحقق یادگیری بنیادی و مؤثر عمیق.

بند سوم: عوامل انتخاب تکنولوژی

- ۱- هدف های آموزشی
- ۲- ویژگی های دانش آموزان
- ۳- فنون تدریس
- ۴- محرک های مورد نیاز موضوع درسی
- ۵- شرایط علمی

بند چهارم: اهداف و فواید تکنولوژی آموزشی

- ۱- تکنولوژی می تواند آموزش و یادگیری را انفرادی کند.
- ۲- راه حل لازم را برای طراحی شرایط ارائه دهد که از همه روش ها نزدیکتر شود
- ۳- دسترسی به فرهنگ آموزش را به طوریکسان برای همه میسر می سازد.
- ۴- تکنولوژی مؤثرترین وسیله برای تحقق اهداف است.

- ۵- تکنولوژی در جستجوی حلقه های گمشده ای است تا بتواند به وسیله آنها رشته

های وسیع و گسترده ای از علوم و دانش را به هم متصل نماید.

۶- وسیله ای است مطمئن برای بهره بردن و ایجاد تغییر در وضعیت موجود.

بند پنجم: پیشنهاداتی در زمینه به کارگیری تکنولوژی آموزشی و روش های جدید تدریس

۱- توجه مدیران به تکنولوژی آموزش مدارس به منظور ارتقاء کیفیت تدریس معلمان جهت یادگیری آسان و بهتر دانش آموزان

۲- استفاده از افراد متخصص در پست تکنولوژی یا سمعی بصری مدارس.

۳- جذب معلمان با مدرک بالاتر در رشته های تخصصی و آشنایی با تکنولوژی های موجود روز در امر تدریس.

۴- ارج نهادن به معلمینی که از تکنولوژی آموزشی بهینه استفاده می نمایند

۵- اختصاص بودجه های خاص در وزارتخانه ها به امر تکنولوژی مدارس و مراکز تربیت معلم.

۶- تشکیل کنفرانس ها و میزگردها برگزاری کلاس های ضمن خدمت کوتاه مدت برای اساتید و معلمان با موضوعات تکنولوژی آموزشی.

۷- اطلاع رسانی به معلمان و اساتید در رابطه با آخرین یافته های مربوط به تکنولوژی و روش های جدید تدریس.

۸- جهت استفاده ی مطلوب از کلاسها و بالا بردن کیفیت آموزش در سطوح مختلف با به کارگیری تکنولوژی آموزشی در امر تدریس بهتر است سقف دانش آموزان کلاسها بیش از ۲۰ نفر نباشد.

بند ششم: تکنولوژی آموزشی در منظر بزرگان علم

۱- تکنولوژی آموزشی، طراحی، اجرا و ارزیابی نظام یافته تمام فرایند یادگیری و آموزش همراه با تعیین هدف های مشخص تر و نیز استفاده از تجربه تحقیقات در زمینه های یادگیری، ارتباط جمعی و به کارگرفتن مجموعه ای از منابع انسانی و غیر انسانی جهت فراهم آوردن شرایط آموزش مؤثر (الن ویلیام).

۲- تکنولوژی آموزشی در مفهوم ساده و مقدماتی به سخت افزارهایی مانند کامپیوتر، پروژکتور، اورهد و سایر وسایل سمعی و بصری اطلاق می شود که معلمان درامر آموزش از آنها استفاده می کنند (اصطلاحات آموزش علوم و تکنولوژی- انتشارات یونسکو).

۳- تکنولوژی آموزشی کاربرد نظری و علمی تکنولوژی در نظام آموزشی (ویژه نامه تکنولوژی آموزشی مجله دانشمند).

۴- تکنولوژی آموزشی عبارت است از کاربرد یافته های علمی درباره یادگیری و شرایط یادگیری. (مرکز عالی برنامه ای بریتانیا)

۵- تکنولوژی آموزشی عبارت است از توسعه، کاربرد و ارزشیابی سیستم ها، فنون و مواد آموزشی به منظور بهبود فرایند یادگیری انسان (شورای ملی تکنولوژی آموزشی، انگلستان).

۶- تکنولوژی آموزشی عبارت است از کاربرد روش علمی در زمینه یادگیری و شرایط یادگیری، به منظور بهبود اثربخشی و کارآیی تدریس و تعلیم. درنود اصول اساسی علمی، تکنولوژی آموزشی از تکنیک های تجربی برای بهبود موقعیت های یادگیری بهره گیری می کند (مرکز ملی یادگیری برنامه ای، انگلستان) (احدیان و همکاران، ۱۳۹۰؛ ۹).

بند هفتم: استفاده از ابزار و تکنولوژی جدید در امر آموزش و پرورش

برای اولین بار در سال ۱۹۰۰ آموزش و پرورش آمریکا اصطلاحاتی مثل «کمک دیداری» و «وسایل کمک تدریس» را وارد جریان آموزش و پرورش نمود و همچنین در دانشگاه‌ها و دوره‌های تربیت معلم آمریکا اولین بار درس وسایل دیداری، شنیداری و تکنولوژی سمعی و بصری متداول شد. عکس‌العمل روانشناسان در مقابل این پدیده نوین این بود که آن را با رویکرد فناورانه نپذیرفتند، بلکه بیشتر به رویکرد فردگرایانه آموزش و رغبت و توانایی یادگیری فراگیران توجه نمودند. بنیاد فورد در سال ۱۹۵۴ تلویزیون آموزشی را راه اندازی و وارد مدارس کرد و سنای آمریکا طرح دفاع ملی تعلیم و تربیت را از تصویب گذراند و مدارس بلافاصله شروع به خرید ابزار آموزشی نمودند. از آن تاریخ تا امروز ابزار تکنولوژی آموزشی توسط مدارس خریداری می‌شود و پس از گذشت سالها هنوز شاهد خرید بی رویه این ابزار برای مدارس و در پی آن پرشدن جیب سهامداران شرکت‌های ابزار ساز هستیم با کمال تأسف با اینکه بعضی از مدارس ما از ابزار تکنولوژی آموزشی غنی هستند ولی در آزمایشگاه‌های این مدارس کمتر کسی از معلمان و دانش‌آموزان فناور شده است و این یعنی شکست و مهمترین دلایل این شکست را «عدم توجه مسئولین به مفهوم واقعی تکنولوژی آموزشی بیان کرده‌اند». هدف تکنولوژی آموزشی ترویج تلویزیون، رادیو، ماشین آلات آموزشی، کامپیوتر و دستگاه‌های الکترونیکی نیست ولی به معنای نفی آنها هم نیست. تکنولوژی آموزشی عبارت است از روش سیستماتیک، طراحی، اجرا و ارزیابی کلی فرایند یاددهی، یادگیری که در آن هدف‌ها معین باشد و از یافته‌های روانشناسان و علوم ارتباطات استفاده گردد تا آموزش مؤثرتر و پایدارتر ارائه گردد. طبق این تعریف تکنولوژی آموزشی نرم افزاری است که ابزار را به خدمت می‌گیرد، هرچه زمان به پیش می‌رود ابزار مدرن تری پدید می‌آید اگر دیروز با تایپ سربی کتاب‌های درسی در اختیار فراگیران قرار گرفته می‌شد امروز کتاب الکترونیکی با قابلیت تغییر فونت‌های مختلف در اختیار آنان قرار می‌گیرد. اگر ابزار و تجهیزات کلاس درس دیروز (متأسفانه در ایران امروز) میز و تخته‌ای سیاه‌رنگ یا سبزرنگ و چند قطعه گچ بود امروز برنامه‌های رایانه‌ای یا طرح درس رایانه‌ای می‌توانند با هدایت و نظارت معلمان، امر

آموزش و پرورش را تسهیل ببخشد. ابزارهای تکنولوژی در طول تاریخ همواره برای آموزش و تسهیل بخشیدن به فرایند یاددهی، یادگیری مفید و کارآمد بوده اند نکته مهم نوع نگاه مدیران و مسئولان به طرز استفاده از این ابزارها است امروز در دوره عمومی (ابتدایی و راهنمایی) با توجه به رویکرد تولید کتاب های درسی، طبیعت به عنوان کارگاه واقعی دانش آموزان معرفی شده است و علیرغم این نگرشی بعضی از مدیران تلاش می کنند که دانش آموزان را در اتاقک های شیشه ای به نام آزمایشگاه گرفتار نمایند با این باور که دانش آموزان را تکنولوژیست کنند حال آنکه با وضعیتی که آزمایشگاه های کنونی مدارس دارند دانش آموزان می توانند تنها به شناخت بعضی از ابزار شیشه ای آزمایشگاه ها برسند و عملاً به هیچ فناوری خاصی دست پیدا نکنند. آنچه مهم است این است که معلمان در طبیعت یا کارگاه یا آزمایشگاه یا حتی کلاس درس بتوانند دانش آموزان را در دنیای ذهن خود با محیط زندگی درگیر کنند و زمینه را برای تولید فکر آنان ایجاد نمایند. از این نظر:

- اگر دبیر ادبیات بتواند دانش آموزان خود را جوری پرورش دهد که خوب مطالعه کنند و قصه بنویسند و شعر بسرایند فن آوری آموزشی به کار بسته است.

- اگر دبیر علوم کاری کند که دانش آموزان او خود دست به آزمایش بزنند تکنولوژی آموزشی به کار گرفته است.

- اگر دبیر علوم اجتماعی کاری کند تا دانش آموزان در انتخابات شورای دانش آموزی به رأی اکثریت احترام کنند و مشارکت فعال داشته باشند فناوری آموزشی به کار بسته است. با این تعریف تکنولوژی آموزشی تجهیزات آموزشی نیست اگرچه تجهیزات و ابزار می تواند در خدمت تکنولوژی آموزشی قرار گیرد تکنولوژی آموزشی به تعبیری فن به کارگیری ابزار برای تسهیل فرآیند یاددهی، یادگیری می باشد.

سخن اینجا است که امروز روش تدریس خطابه ای و سخنرانی روشی بسیار کهنه است اگرچه هنوز به عنوان یکی از روش های آموزشی در بعضی مواقع خیلی هم سودمند به

کار گرفته می شود اما روحیه ی نسل حاضر و حضور رقابتی دیگر رسانه ها در مقابل صدا و لحن معلم ایجاب می کند که مسئولین ابزار تکنولوژی را به استخدام معلمان درآورند و در این میانه معلم را تنها نگذارند. اگر تجهیزات لازم و متناسب تئوری های تغییر فراهم نگردد ممکن است همه این تلاش ها بی نتیجه بماند وقتی ما برای معلمان سمینار و کارگاه برگزار می کنیم و از روش های فعال تدریس سخن می گوئیم از طرفی نرم فراگیران هر کلاس ۵۰ تا ۶۰ نفر می باشد و وجود میز و نیمکت های خلایق کش فرصت حضور چهره به چهره ی دانش آموزان را از دست داده است و در کلاس های غیراستاندارد و کوچک بدون نور کافی تدریس صورت می گیرد یعنی پنبه کردن آنچه ریشه شده است. وقتی که در مراکز تربیت معلم اساتید ضمن خدمت که دوره های روش تدریس فعال را تدریس می کنند، خود بدون استفاده از کمترین ابزار تکنولوژی آموزشی هنوز از روش سخنرانی استفاده می کنند چگونه باید انتظار داشت دانشجویان در آینده معلمان مجری روش های تدریس مشارکت جویانه باشند. آموزش و پرورش ناگزیر است که برای هماهنگی با تئوری تغییر نگرش و روش نسبت به بکارگیری تجهیزات مناسب و ابزار مدرن تکنولوژی آموزشی اقدام نماید و همچنین نسبت به تهیه مهمترین وسیله و ابزار دنیای فراصنعتی از تاریخ یعنی رایانه همت بگمارد و تلاش کند که تکنولوژی و استفاده از آن را نیز به فراگیران بیاموزند چرا که اگر دیرتر اقدام نماید دیری نمی پاید که استفاده از رایانه به عنوان یک وسیله سرگرمی دریاور فراگیران نهاده شود مطمئن باشید که اگر رایانه نتواند در خدمت فرآیند یاددهی، یادگیری درآید به طوری که معلمان و فراگیران به وسیله آن به اطلاعات جدیدی برسند و خود نیز اطلاعات جدیدتری تولید نمایند بی شک یک ابزار افیونی برای نیروی انسانی در آموزش و پرورش محسوب خواهد شد. ظرفیت آموزش و پرورش در قالب مدرسه یا دانشگاه مجازی ظرفیتی نیست که به سادگی بتوان از کنار آن گذشت توجه به مدرسه مجازی و راه اندازی آن در ایران با توجه به بحث آموزش از راه دور و بچه های لازم التعليم قطعاً موجب صرفه جوئی اعتبارات کلانی خواهد شد. از این مبحث که بگذریم بحث آموزش و پرورش مادام العمر^۱ و استفاده از مهارت های زندگی

^۱. Lifelong learning

در طول تدریس و تحصیل های نیمه وقت همه و همه دست به دست هم می دهند تا هرروز مدرسه مجازی معنای کاربردی تری در زندگی بشر فردا پیدا کند. امروز آمارهای فراگیران مدارس مجازی در ایران تا مرز دو میلیون نفر تخمین زده شده است (گزارش کارشناسان وزارت آموزش و پرورش سال ۱۳۸۲) و اگر توجه به مدارس مجازی با این سرعت به پیش برود طولی نمی کشد که در شهرهای صنعتی و کلان کشور بازارمدارس رسمی ایران هم کساد شود و دانش آموزان فقط برای کسب مدرک در مدارس ایران ثبت نام نمایند هرچند بسیاری از روشنفکران و صاحب نظران اعتقاد دارند که فراگیران بعضی از مهارت ها را باید در مدارس و در اجتماع دانش آموزان بیاموزند اما بعضی دیگر اعتقاد دارند که دوره ابتدایی به تنهایی می تواند برای کسب این مهارت ها کفایت کند. به هر حال پدیده مدرسه مجازی یک پدیده ای جدی و باورشدنی است و نظام آموزش و پرورش ایران برای رضایت مشتریان خود و از دست ندادن آنها مجبور به پذیره از این مبحث جدید است هرچند پیش زمینه استفاده از اطلاعات الکترونیکی و یادگیری الکترونیکی امدن دنیا داشتن شاهراه های اطلاعاتی در کشور می باشد.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله باید اذعان داشت یکی از مشکلات نظام تعلیم و تربیت، مربوط به عدم آشنایی و عدم استفاده از الگوها و روش های نوین آموزش است. آشنایی با روش های مختلف تدریس و به کارگیری آنها موجب می شود هدف های تعلیم و تربیت با سهولت بیشتر و در مدت زمان کوتاه تر تحقق یابند. لذا یکی از امور مهم و لازم برای هر معلم این است که به روش های مختلف تدریس آشنا باشد و از روش یا روش های مناسب استفاده کند و هر اندازه معلم با روش های مختلف تدریس آشنا باشد. بدیهی است هر معلمی بدین واسطه در موقعیت های مختلف برای رسیدن به مقاصد آموزشی، آزادی عمل و توفیق بیشتری خواهد داشت و طبیعتیست پس از آشنایی معلم با روش های مختلف تدریس، در عمل و به هنگام ارایه درس با تشخیص موقعیت، هدف درس و ...

^۱. E- learning

روش ها و فنون مناسب را به کار خواهد گرفت؛ لذا در جمع بندی پایانی این پژوهش باید گفت توصیه می شود روش تدریس همواره یکسان نباشد بلکه برای برقراری کلاس مطلوب و خارج شدن آن از یکنواختی، ایجاد نشاط علمی در کلاس و یادگیری مطلوب و منطقی فراگیران به کارگیری تلفیقی روش های مختلف توصیه می شود. باتوجه به تحقیقات و پژوهش های صورت گرفته در این مقاله و همچنین باتوجه به وجود ترک تحصیلی ها و تکرار پایه تعداد زیادی از دانش آموزان براساس اخبار آموزش و پرورش در سطح جامعه و همچنین عدم آشنایی و عدم استفاده معلمان از شیوه های نوین آموزشی در فرایند یاددهی - یادگیری و مسائل و مشکلات آموزشی و تربیتی، ضرورت لازم، جهت انجام تحقیق های بیشتر و حتی تالیف کتب در زمینه افزایش انگیزه در معلمان برای استفاده از روش های نوین آموزشی وجود دارد. زیرا تدریس موثر در فرایند یاددهی - یادگیری نیازمند یک ارتباط درست بین یاددهنده و یادگیرنده است. اگر معلم از نظر محتوا غنی نباشد، انگیزه لازم و تسلط کافی بر دانش و روش انتقال آن نداشته باشد و از علائم و نمادهای مناسب استفاده نکند، مخصوصاً به ویژگی های دانش آموزان و توانایی دریافت و ادراک آنها از یادگیری شناختی نداشته باشد هرگز نمی تواند شرایط مطلوب تغییر را ایجاد نماید و بدین واسطه نتیجه ای جز افت تحصیلی دانش آموز در ادامه تحصیل نخواهد داشت.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱- آقازاده، محمد (۱۳۹۸) بررسی انگیزه شناسی کار، فصلنامه انگیزش، چاپ سوم، انتشارات نوپردازان

۲- احدیان، محمد (۱۳۹۹) مقدمات تکنولوژی آموزشی، چاپ دوم، انتشارات آبیژ

۳- اندرسون، لوین (۱۳۹۶) افزایش اثر بخشی معلمان در فرایند تدریس. ترجمه محمد امینی. چاپ دوم، انتشارات مدرسه

۴- پارسا، محمد (۱۳۹۰) روانشناسی تربیتی، انتشارات سخن، چاپ یازدهم، تهران

۵- تقی پورظهير، علی (۱۳۹۸) برنامه ریزی آموزشی و درسی، انتشارات آگه، چاپ چهارم، نشر آذر

۶- جوانی، کبری (۱۳۹۲). بررسی دیدگاه معلمان دوره تحصیلی ابتدائی و راهنمایی در مورد موانع اجراء و به کارگیری الگوها و روش های نوین تدریس معلمان آموزش و پرورش شهرستان اسلامشهر، پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۷- رضائیان، علی (۱۳۹۹) مبانی مدیریت رفتار سازمانی، چاپ دوم، انتشارات سمت

۸- رمضان، عباس (۱۳۹۶) بررسی خلاقیت دانش آموزان بانگرس فرزندپروری والدین در مدارس مقطع راهنمایی پسرانه و دخترانه استعداد های درخشان شهر ارومیه، پایان نامه ارشد

۹- سجودی، عیسی (۱۳۸۸) بررسی تأثیر استفاده از روش های تدریس مشارکتی در کتاب جدید فارسی بر تقویت مهارت خواندن دانش آموزان کلاس اول راهنمایی شهر نیر، پایان

نامه ارشد دانشگاه پیام نور استان تهران

- ۱۰- سلیمانی، نادر (۱۴۰۰) نظارت و راهنمایی آموزشی، انتشارات سنجش، چاپ ششم تهران
- ۱۱- سنگری، محمد رضا (۱۳۸۳) طراحی آموزشی و روش تدریس، انتشارات مدرسه، تهران
- ۱۲- سیف، علی اکبر (۱۳۹۰) روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش، انتشارات تهران: دوران چاپ یازدهم
- ۱۳- شریفی، سمیرا (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر در تشویق معلمان و تاثیر آن بر ایجاد انگیزه در آنان از دیدگاه معلمان مقطع متوسطه شهرستان کرج در سال ۹۰-۱۳۸۹، پایان نامه ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- ۱۴- شعاری نژاد، اکبر (۱۳۷۸) یادداشت هایی درباره نظریه های انگیزش در آموزش و پرورش، انتشارات پویا، چاپ اول
- ۱۵- شعبانی، حسن (۱۳۹۲) مهارت های آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)، انتشارات سمت، تهران
- ۱۶- شفیع آبادی، عبدا. (۱۳۹۰) راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه ای، انتشارات رشد، چاپ بیستم
- ۱۷- عسکری، گیتا؛ کلدی، علیرضا (۱۳۸۲). بررسی میزان رضایت شغلی معلمان ابتدایی آموزش و پرورش. تهران. پایان نامه دکترا، رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- ۱۸- کرامتی، محمد رضا (۱۳۹۹) از تدریس لذت ببریم. سبزه وار، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تربیت معلم

ب) منابع لاتین

- ۱-Bakker, A. , Schaufeli W. B. (۲۰۲۱). Positive organizational behavior: Engaged employee in flourishing organizations. Journal of Organizational Behavior, ۲۹.
- ۲-Bandura, A. (۲۰۱۸). Social foundations of thought and action. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall
- ۳-Bandura, Albert. (۲۰۱۹) Self-efficacy: the exercise of control. New York: W. H Freeman.
- ۴-Carver, C. S. , & Scheier, M. F. (۲۰۰۳). Optimism. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), Handbook of positive psychology (pp. ۲۳۱-۲۴۳). Oxford: Oxford University Press.
- ۵-Chemers, M. M. , Watson, C. B. , & May, S. T. (۲۰۰۰). Dispositional affect and leadership effectiveness: A comparison of self-esteem optimism, and efficacy. Personality and Social Psychology Bulletin, ۲۶, ۲۶۷-۲۷۷.
- classroom academic performance. Journal of educational psychology , ۸۱(۱), ۳۳-۴۰.
- ۶-Conger Jay. A, Rabindra. N Kanungo. (۲۰۱۴) "The Empowerment process: Integrating theory and practice". Academy of Management Review. ۷۱۳, N۳. pp ۴۷۱-۴۸۲.



موسسه قانون یار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه های داخلی و خارج از کشور همچون مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir (دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان)
(موسسه بین المللی ici world of journals/ورشو/لهستان)
(انجمن علمی بین المللی citefactor/فینیکس/آریزونا)
برگزار می کند:



همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش های اجتماعی

۱۳ خرداد ۱۴۰۰ - تهران

محورهای همایش:

- * مقالات در گرایش های حقوق خصوصی، حقوق جزا
- * حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و ...
- * مقالات در گرایش های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش های ارسال مقالات به همایش:

- * ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com
- * ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

داوری زود هنگام مقالات

استان تهران - موسسه قانون یار



جهت

تقویت رزومه

داوطلبان آزمون دکتری اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دبیرخانه: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، پلاک ۱۹۲ واحد پذیرش مقالات: ۵۲۶ و ۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱

واحد صدور گواهی نامه: ۴۴۴۱۷۶۴ - ۰۲۱

مشاور و راهنمای ارسال مقالات: ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ - ۰۹۱۰۶۳۶۰۰۲

www.Ghanonyar.ir www.Olomensani.ir

به ده مقاله برتر و برگزیده همایش، ده کتابچه به همراه تقدیرنامه مخصوص اعطا می گردد. به مقالات ارسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می گردد. تمامی مقالات همایش در پایگاه ها و سایت های ملی و بین المللی نمایه و درج می گردند. داوری مقالات حداکثر سه روز می باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می شود.

همایش مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی - موسسه قانون یار - دانشگاه رهنورد (افغانستان) - جهاد دانشگاهی - سال ۱۴۰۰